

ارزش محتوایی

کتیبه سنگی بسم... موزه آذربایجان تبریز

با نگاهی به هنر سنگتراشی سنتی ایران

مریم فدایی*

چکیده:

هنر سنگتراشی سنتی ایران در پیوند با کتابت از دیرباز در تاریخ هنر ایران سابقه داشته است. شاید در گذشته کمتر به مفاهیم نمادین یا اعتقادی خط در کنار فن‌هایی مانند سنگتراشی توجه شده و بیشتر کاربرد آن مورد توجه قرار گرفته است اما با ظهور دین اسلام و انتشار آن در ایران معانی رمزگونه آیات خداوند در قرآن کریم سبب گردید تا هنرمندان به مفهوم واقعی ذات متعالی هنر دینی و وظایف اصلی خود به عنوان هنرمند دینی پی برده و در بسیاری از دست ساخته‌های خود مهری مذهبی و اعتقادی بزنند. یکی از این آثار ارزشمند در حوزه هنر اسلامی کتیبه‌های سنگی است که نمونه آن به صورت کاملاً منحصر و نام‌دار، کتیبه سنگی بسم... الرحمن الرحیم موزه آذربایجان تبریز است. این کتیبه شاید در وهله نخست به دلیل ظاهری و ایجاد رنگ‌های متنوع و نام خوشنویس مهم جلوه کند اما مانند همه آثار اسلامی که در ایران تولید شده حاوی بار معنوی و اعتقادی است که در دوره‌های مختلف هنری صاحب فلسفه خاص دینی بوده و حامل پیام الهی است. استفاده از رنگ طلایی و آبی که نمودار الوهیت و پیوند آسمان و زمین است، در کنار خط نستعلیق ایرانی به قلم کاتب مشهور قاجار یعنی میرزا سنگلاخ و با هدفی متعالی برای مزار پیامبر اسلام (ص) ساخته و پرداخته شده است. انتخاب اشعاری در مدح رسول اکرم ص در کنار عبارت مرکزی بسم... الرحمن الرحیم به اصلی‌ترین اصل اعتقادی مسلمانان یعنی توحید و باور به یگانگی خداوند در جهان مادی و معنوی اشاره می‌کند. اینکه تنها اوست و باید به او توسل جست و جودی که خود منشا پیدایش همه مخلوقات بوده و اولین حرکت او برای خلق از همان باور عرفانی به ب بسم... و نقطه زیر آن به عنوان رمز احدیت پروردگار اشاره می‌کند و ناشی از تفکر و احدیت خداوند و اعتقاد مسلمان به یگانگی و توحید است.

واژگان کلیدی: سنگتراشی سنتی ایران، کتیبه سنگی بسم... موزه آذربایجان تبریز

مقدمه: یکی از هنرهای اصیل ایرانی که از گذشته باستان تاکنون باقی مانده و بنا به دشواری‌های فرآیند تولید آن تا حدودی به فراموشی سپرده شده هنر سنگتراشی سنتی است. از ۲۵۰۰ سال پیش تا کنون که

از عمر نقش برجسته‌های سنگی تمدن هخامنشی می‌گذرد هنرمندان بسیاری با الهام از تصاویر و برداشته‌های عینی پدیده‌های پیرامون خود در انتقال پیام‌های اعتقادی یا آموزه‌های خاص فرهنگی جامعه هنرآفرینی کرده‌اند که نمونه آن سنگتراشی سنتی و ساخت پیکره‌ها - کتیبه‌ها و مجموعه‌های ارزشمند و فاخری است که در حال حاضر در موزه‌های ایران و جهان نگهداری می‌شوند. هنر و صنعت سنگتراشی با قدمتی به بلندای تاریخ در هر دوره‌ای که مجال یافته به تزیین بناها و کاخ‌ها و مساجد تا ساخت اشیای کاربردی منازل و مشاغل پرداخته و با استفاده از طرح‌ها و نقش‌های رایج آثار و اشیای ارزشمندی را به ظهور رسانده است.

در این مقاله نمونه‌ای از اشیای هنری سنگتراشی سنتی ایران، موجود در موزه آذربایجان (تبریز) با عنوان کتیبه سنگی بسم... انتخاب شده و نگارنده سعی دارد ارزش‌های محتوایی این اثر نفیس را که با تکنیک حجاری سنتی ایرانی نوآفرینی شده است، بررسی نماید. این مقاله در پی معرفی یک شی هنری است و هدف از انتخاب این کتیبه توصیف ارزش‌های باطنی کتیبه بسم... می‌باشد که در آن به توضیح کتیبه به لحاظ اعتقادی و بیان اهمیت آن پرداخته تا دلایل اصلی ماندگاری فرهنگی و هنری آن را بازگو کند. رویکرد این تحقیق و بررسی از نوع توصیفی نشانه‌شناسی است و کارکردهای روایی و معنایی نشانه‌های موجود در حجاری کتیبه که توسط یکی از مشهورترین کاتبان دوره قاجار یعنی میرزا سنگلاخ تهیه شده است را بیان می‌کند.

مروری بر تاریخچه هنر سنگتراشی ایرانی

جست‌وجوی نمونه‌های سنگتراشی دوره‌های تاریخی ایران یعنی عصر هخامنشی - اشکانی - ساسانی کاری سهل و ممکن است و معرفی آن نیازی به ادله ندارد. زیباترین و ارزشمندترین آثار آن دوران، در حال حاضر در مجموعه کاخ‌های سلطنتی هخامنشی با سرستون‌ها و نقش برجسته‌های تخت‌جمشید و کاخ آپادانا و همچنین کتیبه‌های خط میخی در معابر مشاهده می‌شود و اشیای کاربردی و تزییناتی آنان در موزه ایران باستان در معرض دید عموم قرار دارد. بهره‌برداری از نقش مایه‌های اساطیری در این نوع دست‌ساخته‌ها از جنس سنگ، نشان‌دهنده میزان علاقه‌مندی سران و

* کارشناس ارشد هنر، مسئول موزه خط و کتابت میرعماد

حاکمان دوره هخامنشی به ماندگاری فرهنگ و هنر زمان خود بوده است که باعث گردیده از منابع سنگی به مقدار بیشتری برای انتقال پیام‌های تبلیغاتی و اعلام اخبار جهان‌گشایی خود به عنوان یک ملت برگزیده در عصر باستان استفاده کنند. با ظهور دوره اشکانی و ورود فرهنگ التقاطی یونانی-ایرانی گرایش بیشتری به سمت هنر گچ‌بری و... در نقش‌آفرینی الهامات هنری هنرمندان دیده می‌شود. اما این موضوع سبب نمی‌گردد که در بهره‌برداری از شیوه‌های ساخت سنگتراشی در خلق پیکره‌هایی از شاهان و شاهزادگان غفلت شود به نحوی که مجسمه‌هایی با ظرافت و زیبایی هر چه تمام‌تر از شاهزادگان دوره اشکانی از تمدن پالمیر و پترا به دست آمده است که تماماً از سنگ یکپارچه و گاهی در ابعاد غول‌آسا ساخته شده‌اند و نمونه‌های ارزشمندی به لحاظ تحقیق بر هنرهای کاربردی آن روزگار مانند سوزن‌دوزی و رونویزهای سنتی و آرایش لباس و ظواهر مردم آن عصر هستند.

عصر ساسانی دوره شکوه و احیای هنرهای سنتی و اصیل ایرانی است. بهره‌برداری از سنگ‌های گرانبها برای تزیینات کاخ‌ها و همچنین تهیه زیورآلات شریلی را برای هنرمندان آن دوره مهیا می‌کند تا زیباترین و گرانبهاترین احجار را با مهارت فوق‌العاده‌ای تراش داده و در ساخت و ترصیع ظروفی جواهرنشان مانند جام خسروانی منسوب به خسرو پرویز استفاده کنند.

وجود اعتقادات اساطیری مردم عصر هخامنشی و باور آنان به تاثیرگذاری الهامات آیینی بر زندگی سبب گردید تا سنگ به عنوان یک ابزار مناسب در جهت ساخت و پرداخت اشیایی که بتواند با جنسیت خاص خود بیشترین تاثیر را به منظور انتقال پیام بر عموم بگذارد انتخاب شود که نمونه‌هایی از آن اسب بالدار - گاو بالدار و... در هنر آیینی دوره هخامنشی است. بزرگنمایی این نوع احجام اسطوره‌ای و نمادین برگرفته از باورهای ملی مردم آن عصر، یکی از ترفندهای سنگتراشان برای تعلیمات مذهبی و اعتقادی آن دوران به شمار می‌آید.

بهره‌برداری از روش سنگتراشی در نمایش تزیینات البسه و آرایش مو و صورت و زیورآلات متمولین دوره اشکانی به همراه ظرافت و دقتی که در بازنمایی آن داشتند، نشان‌دهنده علاقه‌مندی و وابستگی سران این دوره به زندگی مرفه و نمایش میزان مهارت و قدرت هنر و صنعت برخی از رشته‌های هنری آن روزگار بوده است. دوره ساسانی دوره قدرت ایران در مضاف با روم باستان به عنوان یک قطب برتر سیاسی و فرهنگی است. وجود جاده ابریشم و داد و ستد کالاهای بازرگانی و همچنین دستیابی به معادن غنی احجار قیمتی شرق آسیا سبب گردید تا هنر ایرانی با استفاده از نمونه احجار گران‌قیمتی مانند لعل و یاقوت و زمرد نمود بیشتری بر آثار هنری داشته باشد.

دوره اسلامی دوران تغییر و تحول بنیادی به لحاظ بینش و باور به یک اصل بود که اگر چه در هویت گذشته آن خللی ایجاد نکرد اما به شکل جدیدی هدفمند گردید زیرا ارزش‌های اسلامی با محوریت خداپرستی و یکتاپرستی دوران کهن باعث شد تا هنرمند مسلمان در استفاده از شیوه‌های سنتی خود تغییر و تحول شگرفی در نوع نقوش و طرح‌ها ایجاد کند که یکی از این تحولات استفاده از طرح‌های خلاصه شده طبیعی مانند نقوش اسلیمی‌ها و در مرتبه بعد ختایی است. منع استفاده از هرگونه تصویرسازی

طبیعی به لحاظ شرعی تولیدات هنری ایرانی را مستحسب تغییراتی بنیادی نمود و انقلاب جدیدی را در تئوری و خلق بدیعیهای شگرف هنری به وجود آورد از جمله تغییر در استفاده هنر سنگتراشی سنتی ایرانی که «در ابتدای رواج دین اسلام در ایران و آسیای مرکزی و عراق کنونی تا سوریه و مصر برای تزیینات قصرها و مساجد به کار گرفته شد در حالی که نقوش تماماً منشاء ایرانی داشتند و به نوعی اقتباسی از طرح و نقش ساسانی یا گل و برگ‌های موسوم به برگ نخلی بودند از مهم‌ترین اشیای دوره اموی قصر زمستانی بنی‌امیه در المشرقی واقع در صحرای سوریه است که جلوی خان آن طرح‌های تزیینی حجاری شده شامل اشکال حیوانی مانند پرندگان و انسان‌ها با ساق‌های درخت انگور و طوماری شکل می‌باشد مطالعه دقیق این اثر حجاری نه تنها نشانه پیروی از اسلوب ساسانی در کشور سوریه است بلکه یک سبک جدید شرقی را به وجود آورده که می‌توان آن را سبک اموی نامید. این نوع حجاری تا زمان حکومت عباسی ادامه یافت» (دیماند، ۱۳۸۳: ۹۲) با مطالعه نوع شیوه کار هنرمندان اولیه اسلامی مشخص می‌شود که آنها در اجرای نقش‌اندازی و برجسته‌نمودن بخش‌هایی از طرح و نقوش رایج آن زمان به موضوع مهمی که همان نمایش منشاء هنر اسلامی یعنی توحید است، توجه داشته و سعی کرده‌اند نشان دهند که نقوش اسلیمی و ختایی و گل و برگ‌های استلیزه شده (ساسانی و بیزانس) حال می‌بایست برای انتقال یک پیام معنوی و الهی نوبن انجام وظیفه کنند. در نتیجه صنعتگر با آموزش‌های معنوی و روحانی منبعث از تعالیم قرآنی و با هنر خود تبحر و خلاقیت بیشتری در استفاده از ابزار و شیوه کار و طرح‌ها اعمال کند. این مسئله به برجسته‌نمودن مشخصه‌های تصویری عناصر بصری تاثیرگذار یک اثر نقاشی - خوشنویسی یا تذهیب و... کمک‌های شایانی می‌نمود.

حجاری در دوره سلجوقی نقش مهمی در تزیین داخل و خارج بناها بازی کرد در حالی که نسبت به گذشته تغییر چندانی نداشت و فقط مشخصه‌های تصویری جدیدی مانند کتیبه‌های خوشنویسی کوفی تزیینی بر بناها به شیوه حجاری پدیدار شدند که بیشتر آنها به خاطر تاثیرات روانی و روحی آیات قرآنی بر مسلمانان کار می‌شد «حجاری اسلوب سلجوقیان به تمام نقاط آسیای صغیر و سوریه و عراق منتشر شد و در تمام تزیینات این دوره بر فراز بناها - دیوار شهرها - دروازه و برج و پل اغلب مجسمه حیوانات قرار داده می‌شد و شاید به‌عنوان طلسم و برای محافظت از شر دشمن و نیروهای اهریمن به کار می‌رفت» (همان: ۱۰۱) مشاهده چنین احجام سنگی در معابر نوع تفکر دوره سلجوقی را نسبت به نیروهای ماورایی و محافظت از دشمن نشان می‌دهد. سنگتراشان سنتی بخشی از وظایف خود را معطوف به ساخت چنین اشیای خرافی و نصب در محل معطوف نموده بودند و به گونه‌ای برای انتقال پیام نجات توسط این‌گونه دست‌ساخته‌های اعتقادی به ساخت و پرداخت اشیای مذکور با فرآیند تولیدی سنگی مبادرت می‌کردند. دوره مغول دوران ورود فرهنگ و هنر بیگانه چینی به ایران است که تاثیر بسیاری بر روند کار گذاشت حضور دانشمندان فرهیخته ایرانی در کنار ایلخانان تازه مسلمان و افزایش میزان علاقه‌مندی آنان به ساخت بناهای ارزشمند تاریخی و هنر کتاب‌آرایی سبب گردید تا استفاده از هنر سنگتراشی دوره سلجوقی تا آن زمان ادامه یافته و بیشتر به صورت نقش برجسته‌های سنگی نمود یابد. این نوع آثار سنگی از

نوع سنگ قبرهایی است که با اشکال رایج دوره مغول مانند طرح محرابی و نقوش هندسی و گل و برگ‌های پیچان و اسلیمی تزئین و حجاری می‌شدند و خطوط کوفی و نسخ بر آنها خوندنمایی می‌کرد.^۲

از آثار حجاری و سنگتراشی دوره صفوی تا قاجار نمونه‌هایی اندک در دسترس است و بیشتر آنها مربوط به سنگ قبرهای تزئینی است. از جمله سنگ قبر ناصرالدین شاه قاجار که بر سنگ مرمر تصویر تمام قامت او را حجاری نموده‌اند. این اثر در حال حاضر در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. اثر برگزیده سنگی این دوره کتیبه بسم ... موزه آذربایجان تبریز است که به زیبایی تمام حجاری شده است. این قطعه سنگ نسبتاً بزرگ به ابعاد ۱/۲۳×۳/۸۲ به روی یکی از دیوارهای سالن طبقه نخست موزه تبریز نصب شده و با خط نستعلیق درشت عبارت بسم‌الله الرحمن الرحیم حک شده است. این کتیبه سنگی به سنگ بسم‌الله مشهور است. بسم‌الله الرحمن الرحیم در عمق ۵ سانتی متر آن تراشیده شده و در حاشیه، چهار بیت از اول قصیده شرف‌الدین محمد بن سعید بن جماد بوضیری متخلص به (برده) حجاری و در فواصل مصراع‌های اشعار نیز القاب حضرت محمد(ص) در داخل تزئینی حجاری شده است.

هنر سنگتراشی از دوره قاجار تا دوره معاصر مراحل بسیاری را پیموده و بنا به نیاز روزمره زندگی در شهرهای مشهد و قم کارگاه‌های تراش سنگ‌های سپاه و مرمر دایر گردیده و بیشتر دست‌ساخته‌ها تولیدات تزئینی و دکوری و گاه‌ها وسایل منزل است. نمونه طرح‌ها و نقوش‌ها، احیای هنر گذشته ایران است. از انواع صنایع سنگی شناخته شده دوره معاصر به لحاظ تکنیک و فنون رایج آن می‌توان از احجام سنگی، تراش سنگ‌های قیمتی، سنگتراشی سنتی، حکاکی روی سنگ، خراطی سنگ، فیروزه کوبی، مرصع کاری، مشبک سنگ، معرق سنگ، موزائیک سنگ و... نام برد.

سنگتراشی سنتی دوره معاصر ادامه دستاوردهای فنی و هنری هنرمندان گذشته است که نوعاً با استفاده از طرح‌های تزئینی و تصویر هنرمندان دیگر سعی کرده‌اند با پیوند هنر- صنعت (خوشنویسی - حجاری) در کتیبه‌های اسلامی پیام نهفته در اجزای تصویری اثر اول را منتقل و ملموس‌تر نمایند.

مروری بر کتیبه‌های دوره اسلامی

کتیبه‌های اسلامی ارزشمندترین یادمان‌های هنری ادوار تاریخ اسلام هستند که بنا به جنسیت مصالح ماندگاری متفاوت دارند. استفاده از سنگ به دلیل خاصیت‌پذیری آن در افزایش طول عمر کتیبه‌های خوشنویسی تأثیر زیادی داشته و کاربرد آن در بناهای مذهبی مانند مساجد و مقابر دلیلی بر این ادعا است. خوشنویسی در آن برای تزئین این‌گونه بناها سهم چشمگیری دارد و توانسته است ارتباط درست و منطقی بین هنر خوشنویسی و سنگتراشی سنتی برقرار کند. کلماتی که به عنوان مرکز توحید باوری اسلامی است در بیشتر این کتیبه‌ها به چشم می‌خورد و شامل آیات قرآن - روایت دینی- احادیث پیامبر اسلام (ص) و امام علی(ع) است. بنا به گفته «... لورنز کورن کهن‌ترین کتیبه در تاریخ هنر اسلامی کتیبه قبه‌الصخره است که با مضامین مذهبی و متن اصول اعتقادی صدر اسلام نوشته شده و شامل نشانه‌های تکنیکی برای خوانش نوشته‌هاست و به این دلیل از اهمیت شایانی در تاریخچه خوشنویسی برخوردار می‌باشد.»^۳ در قرون اولیه تاریخ اسلام کتیبه‌هایی ساخته شد که تعداد آنها اندک و بیشتر

تزئیناتشان منحصر به سوره‌های قرآن به شکل نواری با متون اصول عقیدتی اسلام است همچنین کتیبه‌هایی غیر مذهبی با نام سفارش‌دهنده با اندازه و ابعاد بزرگ ساخته شد که در بناهای خاصی به نمایش در آمدند. اهمیت کتیبه‌های معماری اسلامی مربوط به ویژگی‌های خاص آن است که مطرح‌ترین آن بهره‌برداری از عنصر خوشنویسی در معماری به عنوان یک ابزار تزئینی است. در تمام ابنیه‌های اسلامی کتیبه‌ها با مضامین دعا - قرآن - حدیث همراه هستند و حتی مکان‌های خاصی برای این متون در نظر گرفته‌اند مانند مناره‌ها - سردرها - پای گنبدها - محراب و قبله و حتی سنگ قبرها. هنرمند تمام فضاهای خالی کتیبه و بنا را با حروف نوشتاری پر می‌کرد و به صورت تکرار یا طرح و الگوی واحد بر سطوح دیوارها ترسیم می‌نمود. بنا به زیبایی کتیبه‌های اسلامی به لحاظ فرم در تقسیم‌بندی ابعاد و شکل و نقش و نگارهای خطوط اسلامی در کنار موتیف‌های تزئینی و رنگ‌ها، معانی و مفهوم کتیبه‌ها به آن اهمیت ویژه‌ای بخشیده زیرا شرایط اجتماعی و مذهبی و فرهنگی اقوام مسلمان توانسته است خلایق‌های هنرمند هنرهای سنتی را به ظهور برساند. مثلاً آیات قرآن کریم بیشترین عامل تصویری ساختمان‌ها و کتیبه‌های اسلامی است شامل جملاتی در اظهار ایمان و باور مسلمانان که در وهله اول با خط کوفی و در نهایت با خط نستعلیق بر تمام ظواهر و صورت‌های هنر اسلامی ظاهر شد. در تهیه کتیبه‌ها متون مربوط به ادعیه با نام خداوند و ستایش پروردگار بازگوکننده توانایی بی حد و حصر خداوند است و مدح و دعای پیامبر اسلام (ص) امام علی ع و پنج تن آل عبا است «از دعا‌های مشهور بیشتر در تزئین محراب‌های گذشته استفاده می‌شد و استفاده از سوره آیه‌الکرسی و جوشن کبیر و اسامی امامان توسط هنرمندان کتیبه‌نگار ایرانی در محراب‌های زیبایی دوره ایلخانی - صفوی تماماً بازتابی از افکار شیعیان و تداعی پیام دوستی با خدا و ولی خدا است. از دعا‌های مشهور مربوط به پیامبر اسلام (ص) دعای صلوات است که جایگاه ویژه‌ای در کتیبه‌های اسلامی دارد.»^۴ به طور کلی کتیبه‌هایی که نقش تزئینی آنها مقدم بر خوانایی است محتوایی با ماهیتی مذهبی داشته و هدف از این‌گونه کتیبه‌ها ستایش دائمی پروردگار است که از عالم روحانی حکایت می‌کند. این‌گونه کتیبه‌ها در مقاطع زمانی معین خوشنویسی می‌شوند و دارای محتوای خردمندانه هستند که درک واقعی مفاهیم آنها به آسانی میسر نیست.

کتیبه سنگی بسم ... موزه آذربایجان تبریز

موزه تبریز در آذربایجان شرقی یکی از موزه‌های غنی از لحاظ گنجینه ارزشمند آثار هنری ایران است که در سال ۱۳۳۶ مش ساخته و در سال ۴۱ رسماً به کار خود پرداخت. این موزه در حال حاضر از سه بخش باستان‌شناسی - مردم‌شناسی - تاریخ مشروطه تشکیل شده و آثار باستانی آن حاصل حفاری‌های انجام شده از مناطق موشلان - حسنلو - قره تپه - خسور شاه - مارلیک و... می‌باشد. از شاهکارهای هنری این موزه کتیبه سنگی بزرگی است که توسط حکاک و خطاط و شاعر هنرمند عصر قاجار یعنی میرزا محمد علی قوچانی معروف به سنگ‌لاخ خلق شده و از زیباترین آثار هنری به شمار می‌آید.

«...میرزا محمدعلی اردوغانی قوچانی اسفراینی معروف به (خامه روان) و متخلص به (سنگ‌لاخ) از مردان مشهور قرن ۱۳ هـ ق در کشورهای اسلامی است. وی از خوشنویسان و شاعران بلندپایه آن قرن است و در نثر

آذربایجان - تبریز.

سنگ کتیبه مرمر سفید مصری است و از پنج قطعه شامل یک قطعه متن و چهار قاب تزئینی شکل گرفته و دارای ده نوع نقش تزئینی و متن با خط نستعلیق است که به صورت برجسته حجاری شده است. در وسط متن عبارت تشکیل (بسم... الرحمن الرحیم) قرار دارد و نوشته‌های دیگر با مضامینی در تعریف و تمجید از حضرت رسول اکرم (ص) در جای جای کتیبه به صورت قرینه و مرتب قرار گرفته است. همچنین در طرف راست و چپ دو بیت شعر فارسی منسوب به میرزا سنگلاخ به چشم می‌خورد متن این شعر:

سخن گوی ای کلک شیرین کلام

ز نعت محمد علیه‌السلام

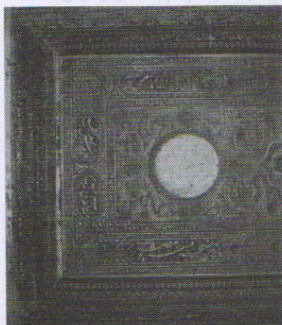
رسول عرب شاه یثرب حرم

غلام درش هم عرب هم عجم

در بالای بسم... نوشته‌ای با این مضمون دیده می‌شود: در مدینه قاهره و مصر در سنه هزار و دویست و هفتاد برشته تحریر کشیده شد و در پایین امضای میرزا نوشته شده است (راقمه سنگلاخ خامه روان). زخامه تحفه برد سوی خواجه دو جهان - هم چنین در بین نقوش تزئینی و گل‌های برجسته و زیبا در طرفین نام بسم... در داخل دو دایره نوشته شده (سید الکونین و فخر العالمین رسالتنا علیه‌السلام جنابا لرینک حرم. سلطان البرین و البحرین خادم الحرمین الشریفین عبدالحمید بن حضر تلرینک هدیه لریدیر...)) با توجه به اثر پاک‌شدگی جای نام پادشاه عثمانی آیه شریفه (انما یعمر مساجد... من امن بالله... و الیوم الاخره...) جایگزین شده که دوام نداشته و از بین رفته است. اشعار منتخب در این کتیبه به زبان عربی قصیده مشهور بوسیبری شاعر و عارف قرن ۷ ق م مصری است که در تمجید و مدح پیامبر اسلام ص سروده شده است و در فواصل مصرع‌های اشعار عربی و درون دوازده تریج کوچک عبارت (صاحب السلطان و الوا صاحب الدرجه الرفیعه. صاحب البراق و المعراج و المکانه...) در وصف آن حضرت نوشته شده است. در توصیف شرح احوال این شاعر آورده‌اند «شرف‌الدین محمد بن سعید بن حماد صنهاجی شاعر و صوفی نامبردار مصری در سده



سبک خاصی داشته است. در سال ۱۱۸۵ ق در اردوغان اسفراین متولد شد در حالی که اصلیتش از خاندان قرایی قوچان بود. بیشتر منابع تاریخی او را میرزا سنگلاخ خراسانی خوبشانی نوشته‌اند. میرزا سنگلاخ در فارسی و عربی چیره‌دست بود و در فن خط مهارتی عجیب داشت. از تمام خطوط نستعلیق و شکسته و نسخ را خوش می‌نوشت اما در نستعلیق نویسی استاد بود. گفته‌اند سنگلاخ هنرمندی درویش مسلک و در عین حال بلندپرواز بود و نزدیک به ۱۱۰ سال عمر کرد. نیمی از عمرش در سفر گذشت و برخی از اشعارش را در مدح برخی اشخاص سرود. در ۲۵ سالگی به عثمانی و مصر سفر کرد و توسط محمدعلی پاشا خدیو مصر برای کتابت کتیبه دور مسجد جامع محمدعلی پاشا به قاهره دعوت شد. از جمله آثار با ارزش او سنگ نبشته مرمر عظیمی برای تربت مطهر حضرت رسول اکرم ص است که به مدت ۸ سال بر آن کار کرد. سطح این تابلو متن جلی بسم... الرحمن الرحیم بقلم یک دانگ کتیبه نستعلیق خوش و خطوط با اشعار بوسیبری در مدح پیامبر اسلام (ص) دارد که به صورت برجسته نوشته شده است. اثر رقم دارد بر یکی از نقوش تزئینی آن. راقمه سنگلاخ خامه روان به چشم می‌خورد. بنا به روایت مورخان حمل این کتیبه بسیار دشوار بوده و برای ساخت آن از محمد علی پاشا توقع پادشاه گزاف داشته است که چون از دریافت آن مایوس شد اثر را با کشتی به استانبول انتقال داد و به سلطان عبدالعزیز خان سلطان عثمانی عرضه نمود تا اینکه با وساطت و اقدام میرزا جعفر خان مشیرالدوله از راه قفقاز به ایران ارسال شد و در تبریز در معرض دید عموم قرار گرفت. مقرر شده بود در مشهد بر سر گور خود قرار دهد که نشد و سنگ در مزار سید ابراهیم تبریز بر دیوار منصوب گردید تا اینکه میرزا سنگلاخ در گذشت و او را در کنار همان سنگ به خاک سپردند. در سال ۱۳۷۲ ه.ش به منظور حفاظت بیشتر کتیبه به موزه آذربایجان تبریز منتقل شد. مشخصات ظاهری اثر بنا به شناسایی فرم آن شامل «نام اثر: کتیبه بسم... الرحمن الرحیم، جنس اثر: سنگ مرمر سفید، نام سازنده: میرزا سنگلاخ، سال ساخت: ۱۲۲۰ ق م، نام طراح اصلی: میرزا سنگلاخ، ابعاد: ۱/۳۳×۲/۸۲ سانتی متر، محل نگهداری: موزه





هفتم در اول شوال ۶۰۸ به دنیا آمد. زادگاهش را دلاص یا بهشیم دو ناحیه از منطقه بهنسای مصر دانستند و چون پدر و مادرش اهل دلاص و بوضیری بودند او نام ترکیبی «دلاصیری» را برای خود برگزید ولی به بوضیری شهرت یافت. بوضیری در درس‌های صوفی بزرگ ابوالعباس احمد مرسی (متوفی ۶۸۶) جانشین ابوالحسن شاذلی (متوفی ۶۵۶) شرکت می‌کرد و در تشکیل سلسله شاذلیه نیز سهمی داشت. وی قصیده بلندی در ۱۴۲ بیت در مدح ابوالعباس مرسی سرود و او را در وفات شیخ و مرادش ابوالحسن شاذلی تعزیت گفت. به گفته بروکلمان او ده سال در بیت‌المقدس زیست و سپس به مدینه رفت. سیزده سال نیز در مکه به تعلیم قرآن اشتغال داشت و در همانجا قصیده معروف برده را سرود و سپس به مصر بازگشت و شغل دیوانی برگزید و مباشرت و حسابداری شهر شرقیه از توابع بلیس را عهده دار گشت. از دوران تصدی او به این سمت قصاید و اشعار فراوانی در دیوانش باقی مانده و قصیده طولانی و مشهور «تونه» را نیز در شکایت از مستخدمان دولتی و مباشران حکومتی سروده است. او از ۶۵۹ تا ۶۶۳ این شغل را برعهده داشت سپس به قاهره و اسکندریه رفت و مکتبخانه‌ای برای تعلیم قرآن کریم باز کرد و به شعر و شاعری نیز پرداخت. بوضیری عمری دراز یافت سال درگذشت او را از ۶۹۴ تا ۶۹۷ در قاهره یا اسکندریه ذکر کرده‌اند. او را در پایین گورستان مقطم و نزدیک قبر امام شافعی به خاک سپردند. یکی از عمده‌ترین موضوعات شعر بوضیری مدح نبوی است و مشهورترین قصیده او در مدح پیامبر اکرم «الکواکب الدریه فی مدح خیرالبریه» معروف به برده است که شهرت او را جهانی کرده است. این قصیده در میان مردم جایگاه خاصی یافت تا بدانجا که برای خواندن آن مجالس مخصوصی ترتیب می‌دادند و آن را با آداب ویژه‌ای می‌خواندند و حتی برای آن به آثار خاص نیز معتقد بودند. به علاوه این قصیده آموزگار ادب اخلاق و تاریخ است و مردم را با بخش‌هایی از سیره نبوی آشنا می‌سازد از این رو در بسیاری از کشورها متن درسی است. علاوه بر اهل سنت ادیان شیعه نیز این قصیده را شرح و از آن استقبال کرده‌اند. عبارت این اشعار شامل ۴ بیت از اشعار بوضیری است مانند: امن تذکر جبران بدی سلم - مزجت دعما جری من مقله بدم (ایا به خاطر یاد همسایگان منطقه ذی سلم است (منطقه‌ای میان مکه و مدینه) که اشکی آمیخته با خون از چشمانت جاری نموده‌ای. مقصود شاعر از جبران، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) می‌باشد یعنی به خاطر ساکنان ذی سلم که همان پیامبر و ائمه بودند اشک پر خونی می‌ریزی) اهمیت‌الریح من تلقاء کاظمه - و اومض البرق فی الظلماء من اضم (یا این که باد از سمت کاظمه (مکانی در جنوب بصره) بوی خوش پیامبر (ص) را می‌آورد یا اینکه برقی در ظلمت شب از جانب کوه اظلم (نزدیک مدینه درخشیده است) فما لعینیک ان قلت اکففا همتا - و ما

قلبک ان قلت استغفک یهم (چشمانت را چه شده که وقتی به آنها می‌گویی باز ایستید (از اشک ریختن) مثل سیل جاری می‌گردند و قلبت را چه شده که وقتی که می‌گویی آرام باش، دیوانه می‌شود و بی‌تاب می‌گردد) ایحسب الصب ان الحب منکتم - ما بین منسجم منه و مضطرم (یا عاشق می‌پندارد که عشقش در لایبای اشک‌ریزان و قلب سوزانش نهفته خواهد ماند).

در توصیف محتوای باطنی و معنوی این کتیبه مواردی مانند زیباشناسی اثر و ویژگی‌های کاتب به لحاظ کار فنی و نوع خط در کنار مفاهیم والای شعر اهمیت یافته است که می‌تواند جزو ارزش‌های فرهنگی و هنری این کتیبه باشد. زیرا در اعتقاد مسلمانان کتیبه‌ها تجلی هنر خوشنویسی در معماری هستند و خط زیبا با رعایت قواعد و هماهنگی دست و قلم



کاتب محملی مناسب برای نگارش کلام الهی بوده و در میان هنرهای اسلامی جایگاه مقدسی یافته است. پس در گام اول آن چه این هنر را مقدس می‌کند کلام خداست و داشتن معانی رمزی و محتوای عمیق و روحانی این کلمات که بازرترین آن در جمله بسم ... الرحمن الرحیم مشاهده می‌شود دو خصیصه عمده را برای این کتیبه به ارمغان آورده است: ابتدا اینکه حروف انتخابی در متن دارای معانی رمزینه است و ارزش نمادین دارد مثلا حرف الف به واسطه فرم عمودی آن رمز جلال الهی است و عناصر عمودی و افقی و دایره آن هر کدام مفاهیم خاصی را بیان می‌کنند و خصوصیت بعدی خطوط به کار رفته در کتیبه بسم ... را از لحاظ تناسب و نوع نگارش آن بر اساس قواعد خاصی به نمایش می‌گذارند. این کتیبه با توجه به انگیزه ساخت آن که برای نصب بر سر مزار پیامبر اسلام (ص) طراحی شده است مکان ویژه‌ای طلب کرده که ارتباط منطقی میان مضمون متن کتیبه و محل به کارگیری آن را نشان می‌دهد. چیزی که در این کتیبه به چشم می‌خورد ارتباط نقش هندسی دایره با انتخاب متن است که کاتب در هنگام ترکیب خوشنویسی دیگر نقوش دایره‌ای و نقش برگ نخلی و گل و بنه‌سازی قالب‌های تزئینی کتیبه بسم ... را در درجه دوم اهمیت قرار داده و متن خوشنویسی شده را مهم‌ترین بخش این مجموعه می‌داند و حتی میزان دانگ خط کتیبه را با توجه به محل مورد استفاده و

میزان دوری و نزدیکی به بیننده در نظر داشته است. تناسب دقیق و فرم آن قابلیت‌های گرافیکی متنوع ایجاد کرده که به مجموعه اثر از لحاظ بصری و فرم جذابیت می‌بخشد. کتیبه بسم... به لحاظ نوشتاری جهت‌دار است و در وهله اول نظر بیننده به مرکز کتیبه و عبارت پر محتوای بسم... به عنوان اولین کلام خدا در قرآن جلب می‌شود که آفرینش با نام او آغاز شد تا جایی که در حدیثی از قول پیامبر اسلام (ص) گفته شده است که: هر چه در کتاب‌های آسمانی است در قرآن است و هر چه در قرآن است در الفاتحه است و هر چه در فاتحه است در بسم... الرحمن الرحیم است و هر چه در بسم... الرحمن الرحیم است در باء است و هر چه در باء است در نقطه‌ای است که در زیر آن استفاده شده است. همچنین استفاده از نقش هندسی دایره به عنوان کامل‌ترین شکل و نماد از تحرک کلی روح سیری دایره‌وار داشته و نماینده کیفیت است. در این کتیبه جوهره اصلی کیفی شکل دایره به هدفی مرکزی گرایش داشته و حاکی از قوانین تشابه و تقارن و تناسب هندسی در اجرای طرح و نقش است. کتیبه بسم... با مفهوم دعا و نیایش و مدح برگزیده‌ترین مخلوق خداوندی یعنی حضرت محمد (ص) همانند آیات قرآن بیانی عارفانه دارد و این کیفیت خطی ناشی از جو اعتقادی اسلامی و مظهر یک حقیقت معنوی است. توجه به صور روحانی کلمات به کار رفته در دعای بوضیری در کنار عبارت بسم... الرحمن الرحیم بیننده را



متوجه قدرت معنوی نام و کلام ائمه دین می‌کند و هماهنگی و همخوانی عناصر تزئینی کتیبه و نقوش هندسی و گیاهی آن با رنگ طلایی و آبی در مفهومی فراتر از زیبایی ظاهر قرار می‌گیرد.

نتیجه

برای درک ارزش‌های هنری کتیبه بسم... الرحمن الرحیم مقوله زیباشناسی آن مهم است که در متن به کار رفته و با کتیبه پیوند خاصی برقرار کرده است. این پیوند تماماً بر پایه ترکیببندی عناصر معناشناسی متن اثر هنری است که معنا می‌یابد و به این کتیبه قدرت تصویری و محتوایی می‌بخشد قدرتی که سبب شده کتیبه بسم... در فضایی احساسی که در آن قرار گرفته نوعی اندیشه را به بیننده القا کند که ناشی از خاصیت آموزشی فرهنگ اسلامی است. این فرهنگ می‌تواند یک پیام دینی را منتقل کند. پس حروف و متن به کار رفته مذهبی در این کتیبه کارکردی نشانه‌شناسانه داشته و به منظور تاکید بر بنای ساختمان یا مطلقاً مزار پیامبر اسلام (ص) ساخته نشده بلکه نقش اصلی و محوری متن بسم... در این کتیبه در مرکز زیبایی‌شناسی کتیبه قرار گرفته تا بتواند تولید معنا کند استفاده از اشعار بوضیری به همراه عبارت نام خدا در مرکز از معنایی عینی حکایت می‌کند و با این ترفند مطلبی فرامادین را از طریق نشانه هنری خود یعنی خوشنویسی منتقل کرده است. متن خوشنویسی شده این کتیبه

یک قصد زیباشناسانه دارد که محتوا و علت وجودی کل اثر هنری کتیبه را بازگو و عالی‌ترین معنا را انتقال می‌دهد معنایی که همان عبارت "بسم... الرحمن الرحیم" است. شاید به همین سبب است که امیرالمومنین علی (ع) فرموده که... اسم اعظم الهی است زیرا دلالت بر تمامی اسماء و صفات الهی دارد و سایر اسماء هر یک اشاره به مرتبه‌ای از مراتب وجود است. در... تمامی اسماء و صفات الهی جمع گردیده و او خداوندی است که هر مخلوقی در وقت حاجت و شدت که امیدش از هر کسی قطع شده به او متوسل می‌شود (و از او کمک می‌طلبد) و می‌گوید بسم... یعنی در تمام امورم از خداوندی که جز او سزاوار بندگی نیست کمک می‌جویم، خداوندی که چون از او دادخواهی کنند دادخواه است و وقتی او را بخوانند اجابت کننده است.

* با سیاست ویژه از مدیریت محترم موزه آذربایجان تبریز جناب آقای یزدانی به خاطر همکاری موثر و ارسال تصاویر از کتیبه بسم... اسو همکاران محترم‌شان که در تهیه عکس‌ها به نگارنده کمک‌های شایانی داشتند.

پی‌نوشتها

- ۱- برای مشاهده این نوع آثار نک: کتاب هنر ایران پارت و ساسانی، تألیف رومن کریشمن.
- ۲- برای مطالعه بیشتر نک: دیبماند، اسون (۱۳۸۳) راهنمای صنایع اسلامی، عبدالله فریار، نشر علمی فرهنگی، تهران، ص ۱۰۴.
- ۳- نک: لورنز کورن، کتیبه‌های مذهبی در معماری اسلامی، مجله هنر و مردم، ش ۱۶۶، تیر ۹۱، ص ۷۸.
- ۴- نک: مهناز شایسته‌فر، جایگاه قرآن و حدیث و ادعیه در کتیبه‌های اسلامی، فصلنامه علمی و پژوهشی مدرس دانشگاه تربیت مدرس تهران، سال ۸۱، ص ۷۴.
- ۵- احمد شاهین مشاهیر رجال اسفراین.
- ۶- نک:

<http://lib.aholbait.com/parvan/resource/36781/c/5437/get/?doPID=&dsPID=ma>

۷- نک برای ترجمه بیشتر

<http://sarbedaranali.persianblog.ir/post/206>

منابع

- ۱- دیبماند، موریس. (۱۳۸۳) راهنمای صنایع اسلامی، عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۲- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۳) مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر، تهران.
- ۳- شایسته‌فر، مهناز. جایگاه قرآن و حدیث و ادعیه در کتیبه‌های اسلامی، فصلنامه پژوهشی مدرس دانشگاه تربیت مدرس، تهران، سال ۸۱.
- ۴- کورن، لورنز. کتیبه‌های مذهبی در معماری اسلامی، مجله هنر و مردم، ش ۱۶۶، تیر ۹۱.
- ۵- کریشمن، رومن. (۱۳۵۶) هنر ایران پارت و ساسانی، عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۶- مصطفوی، علی اصغر. (۱۳۶۹) اسطوره قرآنی، تهران.

1- <http://lib.aholbait.com/parvan/resource/36781/c/5437/get/?doPID=&dsPID=ma>
anali.persianblog.ir/post/206-8